



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۶/۰۴

اسحاق نگارگر

## برای ما زندگانی ارزش ذاتی خود را از دست داده است!



باز در یکی از مساجد مرکزی کابل یک حادثه تروریستی رخ داد و نعمت زندگانی را از عده ای و از جمله یک عالم جید کشور دوکتور محمد ایاز نیازی گرفت. این عالم مانند هر انسان دیگر موافقان و مخالفان خود را داشت اما هیچ انسان به خاطر این که چه گونه فکر میکند نمیتواند سزاوار مرگ باشد. بد بختانه ما یک لحظه هم به ارزش ذاتی زندگانی فکر نمیکنیم و تلاش داریم از مرگ نیز به نفع شیوه فکر خود استفاده و برچسب مسئولیت یک حادثه تروریستی را بر بیشرانی مخالفان سیاسی خود الصاق کنیم و به تروریست اطمینان بدهیم که تو کار خود را بکن که برای ما نیز مواد تبلیغاتی فراهم میکنی!

ما از یک سو داد دموکراسی و آزادی بیان سر داده ایم و از سوی دیگر افراد را به جرم ابراز این یا آن عقیده محکوم به مرگ میکنیم و اگر دست حادثه گریبان شان را گرفت حتی احساس نوعی شادمانی هم میکنیم. اگر زندگانی برای ما ارزش ذاتی میداشت همین که یک فرد زندگانی را به ناحق از دست داده بود ما را وامیداشت که متحدانه فریاد اعتراض بر ضد عمل سر بدهیم.

فرض کنیم که فردا در یک حادثه تروریستی اشرف غنی یا عبدالله یا هردو با هم نقد زندگی را از دست دادند در آن صورت برچسب مسئولیت را بر بیشرانی کدام مقام الصاق خواهیم کرد؟ این شیوه ما همان موضوع اسپ طلحک را به خاطر مردم می آرد که اسپش گم شده بود و نصیحتگران خودش را ملامت میکردند که چرا این احتیاط را نکردی و چرا مواظبت آن کار را نکردی بالاخره حوصله طلحک سر رفت و گفت:

" پس ملامت هر چیز من استم و آن دزد لعنتی هیچ گناه نداشته است." حالا برای ما این موضوع مطرح نیست که زندگانی ارزش ذاتی دارد و هیچ کس این حق را ندارد که برود و نعمت خداداد زندگی را از مردم برباید و باز مردی مانند ایاز نیازی را که جامعه بروی سرمایه گذاری کرده است و او تا سطح دوکتورا درس خوانده است و نفقه خانواده ای را بر دوش دارد بدین شیوه نابخردانه از یک حق انسانی اش محروم کند.

اگر زندگانی برای ما ارزش داشت ما بدون این که به فکر استفاده های سیاسی از مرگ این و آن باشیم همانند مردم امرکا در ایالات مختلف امریکا که به خاطر مرگ جورج فلویید برخاسته اند فریاد اعتراض سر میدادیم که حیات به مراتب با ارزش تر از آن است که به دست یک تروریست بیسواد و متعصب برباید برود. تلقی ما هرگز نباید بدین گونه باشد که اگر مخالف مرا گشتند خاک عالم بر سرش که من هم او را مستحق مرگ میدانم و اگر موافق مرا کشتند حتماً مخالفان من در قتل او دست داشته اند و توطئه ای در کار بوده است.

آزادی عقیده تنها در انتقاد و ابراز مخالفت است که تجلی میکند که کسی در دکتاتوری های بسیار استبدادی نیز جلو تملق و دم لابه گری را نگرفته است.

فاعتبروا یا اولی الابصار.  
نگارگر برمنگم 3 جون 2020